

Designing a Role-Playing Framework for Emerging Political Parties in Enhancing Participatory Governance and Social Development: A Case Study of the Iran Islamic Transformation and Progress Front

 Aliakbar Peyvasteh ^{1✉} |  Ali Zeynali ² |  Said Motalebi ³

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Management, University of Osveh, Tabriz, Iran. E-mail: a.peyvasteh@ut.ac.ir
2. Department of Public Administration, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. E-mail: alizenali4747@gmail.com
3. Department of Public Administration, Tabriz, Iran. E-mail: saeedmotalebi1360@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 12 March 2026

Received in revised form 08 June 2026

Accepted 24 June 2026

Published online 29 June 2026

Keywords:

Role Performance;
Political Parties;
Participatory
Governance; Social
Development;
Iranian Islamic
Transformation and
Progress Party.

Abstract

Background and Objective: With the increasing complexity of governance challenges and the growing need to strengthen citizens' participation in decision-making processes, the role of political parties, particularly emerging parties, in achieving participatory governance and social development has gained increasing importance. However, the absence of a comprehensive indigenous model for explaining the role of such parties represents a significant research gap in this field. Therefore, this study aimed to design a role-playing model for emerging political parties in promoting participatory governance and social development, using the Islamic Iran Transformation and Progress Population as a case study.

Methodology: This applied research employed a qualitative approach. Data were collected through semi-structured interviews with experts and the review of relevant documents, and were analyzed using Braun and Clarke's thematic analysis method. Participants were selected through purposive sampling until theoretical saturation was achieved, and the final model was developed based on the extracted themes.

Findings: The findings revealed that the role-playing model of emerging political parties is based on several key components, including strengthening political and social participation, enhancing social capital, developing network interactions, increasing transparency and accountability, empowering elites and political actors, and improving the quality of policymaking. Moreover, the realization of this model requires appropriate institutional, legal, and cultural foundations.

Conclusion: The results indicate that the effective role-playing of emerging political parties can contribute to strengthening participatory governance, enhancing social capital, and promoting social development. The proposed model provides an indigenous framework for guiding the activities of emerging political parties and can serve as a basis for policymaking and decision-making by relevant institutions toward advancing participatory governance and social development.

Cite this article: Peyvasteh, A., Zeynali, A., & Motalebi, S. (2026). Article title. *Journal of Management and Social Development (JMSD)*, 2 (1), 8-25.

 DOI: <http://doi.org/10.22034/jmsd.2026.247571>

Publisher: University of Osveh, <https://www.journalmsd.ir>

ISSN-L: 3116-1774

© "Authors retain the copyright and full publishing rights."



طراحی الگوی نقش آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی: مطالعه موردی جمعیت تحول و پیشرفت ایران اسلامی

علی اکبر پیوسته^۱ | علی زینالی^۲ | سعید مطلبی^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت، موسسه آموزش عالی اسوه، تبریز، ایران. رایانامه: a.peyvasteh@ut.ac.ir

۲. دانش آموخته دکترای تخصصی، گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: alizenali4747@gmail.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت دولتی گرایش خط مشی گذاری عمومی، تبریز، ایران. رایانامه: saeedmotalibi1360@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: با افزایش پیچیدگی مسائل حکمرانی و ضرورت تقویت مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، نقش احزاب سیاسی، به‌ویژه احزاب نوپا، در تحقق حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای یافته است. با وجود این، نبود الگوی بومی و جامع برای تبیین نقش آفرینی این احزاب، یکی از خلأهای پژوهشی این حوزه محسوب می‌شود. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی نقش آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی، با مطالعه موردی جمعیت تحول و پیشرفت ایران اسلامی، انجام شد.

روش پژوهش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و بررسی اسناد مرتبط گردآوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون براون و کلارک تحلیل شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت و الگوی نهایی بر اساس مضامین استخراج‌شده تدوین گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد الگوی نقش آفرینی احزاب سیاسی نوپا بر مؤلفه‌هایی همچون تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی، ارتقای سرمایه اجتماعی، توسعه تعاملات شبکه‌ای، افزایش شفافیت و پاسخگویی، توانمندسازی نخبگان و بهبود کیفیت سیاست‌گذاری استوار است. از خروجی تحلیل داده‌ها ۶ مضمون فراگیر، ۱۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۵۴ مضمون پایه استخراج و تایید گردید.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد نقش آفرینی مؤثر احزاب سیاسی نوپا می‌تواند زمینه تقویت حکمرانی مشارکتی، ارتقای سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی را فراهم سازد. الگوی ارائه‌شده، چارچوبی بومی برای هدایت فعالیت احزاب سیاسی نوپا و مبنایی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نهادهای مرتبط در جهت ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی ارائه می‌دهد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۲/۲۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۵/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۰۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۰۳/۰۵

کلیدواژه‌ها:

نقش آفرینی،

احزاب سیاسی،

حکمرانی

مشارکتی،

توسعه اجتماعی،

جمعیت تحول و

پیشرفت ایران

اسلامی.

استناد: پیوسته، علی اکبر؛ زینالی، علی؛ و مطلبی، سعید (۱۴۰۵). طراحی الگوی نقش آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی: مطالعه موردی جمعیت تحول و پیشرفت ایران اسلامی. مدیریت و توسعه اجتماعی، ۲ (۱)، ۲۵-۸.

DOI: <http://doi.org/10.22034/jmsd.2026.247571>

<http://www.journalmsd.ir>

ISSN-L: 3116-1774

ناشر: دانشگاه اسوه معاصر

© «حق نشر (کپی رایت) و کلیه حقوق انتشار برای نویسندگان محفوظ است.»



مقدمه

در دهه‌های اخیر، تغییر الگوهای حکمرانی از رویکردهای دولت‌محور به الگوهای مشارکت‌محور، جایگاه احزاب سیاسی را از صرف رقابت انتخاباتی به ایفای نقش در فرایندهای سیاست‌گذاری، نمایندگی مطالبات عمومی و توسعه اجتماعی ارتقا داده است. حکمرانی مشارکتی بر تعامل سازنده میان دولت، احزاب سیاسی، جامعه مدنی و شهروندان تأکید دارد و مشارکت فعال ذی‌نفعان را یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های ارتقای کیفیت حکمرانی، افزایش مشروعیت تصمیمات عمومی و تحقق توسعه پایدار می‌داند (Moysan & Ródenas-Rigla, 2024).

احزاب سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای واسط میان دولت و جامعه، نقشی اساسی در تجميع و نمایندگی مطالبات شهروندان، آموزش سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، تربیت نخبگان، شکل‌دهی به افکار عمومی و تسهیل مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی ایفا می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که نقش احزاب در شکل‌دهی به سازوکارهای مشارکتی، فراتر از رقابت‌های انتخاباتی بوده و میزان تعامل آنها با شهروندان، نهادهای مدنی و فرایندهای مشورتی، یکی از شاخص‌های مهم کیفیت حکمرانی دموکراتیک محسوب می‌شود (Gherghina, 2025).

در این میان، احزاب سیاسی نوپا به دلیل برخورداری از انعطاف‌پذیری سازمانی، ظرفیت نوآوری، بهره‌گیری از فناوری‌های ارتباطی جدید و ارتباط نزدیک‌تر با نسل‌های جوان، می‌توانند زمینه‌های مناسبی برای توسعه مشارکت عمومی و افزایش سرمایه اجتماعی فراهم آورند. با این حال، محدودیت منابع، ضعف ساختارهای سازمانی، چالش‌های قانونی، کمبود تجربه نهادی و ضعف اعتماد عمومی، از مهم‌ترین موانع نقش‌آفرینی مؤثر این احزاب به شمار می‌رود و ضرورت طراحی الگوهای بومی برای تقویت کارکردهای آنها را دوچندان کرده است. پژوهش‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که گرایش‌های ایدئولوژیک به‌تنهایی تبیین‌کننده موفقیت احزاب در توسعه نوآوری‌های دموکراتیک نیست و کیفیت ساختارهای مشارکتی و تعامل با شهروندان نقش تعیین‌کننده‌تری در موفقیت آنها دارد (Ramis-Moyano, 2025). از سوی دیگر، توسعه اجتماعی بدون مشارکت فعال شهروندان و وجود نهادهای واسط کارآمد امکان تحقق نخواهد یافت. افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی، پاسخگویی، شفافیت و عدالت اجتماعی، از مهم‌ترین پیامدهای حکمرانی مشارکتی محسوب می‌شوند که تحقق آنها نیازمند حضور مؤثر احزاب سیاسی در فرایند سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های عمومی است. در همین راستا، مرور مطالعات جدید نشان می‌دهد که هرچه سازوکارهای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی فراگیرتر، نظام‌مندتر و نهادینه‌تر باشد، کیفیت سیاست‌گذاری و اثربخشی برنامه‌های توسعه اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت (García-Espín, 2024؛ Moysan & Ródenas-Rigla, 2024).

با وجود اهمیت روزافزون احزاب سیاسی نوپا در ادبیات حکمرانی، بخش عمده پژوهش‌های انجام‌شده بر احزاب باسابقه، رفتار انتخاباتی یا رقابت‌های سیاسی متمرکز بوده و کمتر به تبیین سازوکارهای نقش‌آفرینی احزاب نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی پرداخته‌اند. همچنین، در فضای پژوهشی ایران، مطالعات اندکی به ارائه الگوی بومی برای تبیین نحوه ایفای نقش احزاب نوپا در تعامل با دولت، جامعه مدنی و شهروندان اختصاص یافته است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعات کیفی با هدف شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات نقش‌آفرینی احزاب نوپا را آشکار می‌سازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون، درصدد طراحی الگوی نقش‌آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی با مطالعه موردی جمعیت تحول و پیشرفت ایران اسلامی است. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش ضمن توسعه ادبیات نظری حوزه احزاب سیاسی و حکمرانی مشارکتی، چارچوبی کاربردی برای سیاست‌گذاران، مدیران حزبی و نهادهای مسئول در راستای تقویت مشارکت شهروندان، ارتقای کیفیت حکمرانی و تحقق توسعه اجتماعی در ایران فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

الف- پیشینه نظری

حکمرانی مشارکتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای نوین در مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی، بر تعامل و همکاری میان دولت، جامعه مدنی، احزاب سیاسی، بخش خصوصی و شهروندان در تمامی مراحل سیاست‌گذاری عمومی تأکید دارد. در این رویکرد، تصمیم‌گیری‌های عمومی از حالت متمرکز خارج شده و بر مبنای مشارکت ذی‌نفعان، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مشترک انجام می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی مشارکتی موجب افزایش مشروعیت تصمیمات عمومی، ارتقای کیفیت خدمات عمومی و تقویت اعتماد شهروندان به نهادهای حکومتی می‌شود (Moysan & Ródenas, 2024; Winsvold & Vabo, 2024).

احزاب سیاسی یکی از مهم‌ترین نهادهای واسط میان دولت و جامعه محسوب می‌شوند و نقش اساسی در مطالبات عمومی، آموزش سیاسی، تربیت نخبگان، بسیج اجتماعی، تولید سیاست و تقویت مشارکت سیاسی شهروندان ایفا می‌کنند. در نظریه‌های جدید حکمرانی، احزاب سیاسی صرفاً ابزار رقابت انتخاباتی تلقی نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان بازیگران اصلی شبکه حکمرانی شناخته می‌شوند که می‌توانند ارتباط میان دولت و جامعه را تقویت کرده و زمینه مشارکت شهروندان در سیاست‌گذاری عمومی را فراهم آورند (Gherghina, 2025; Dalton, 2023).

در سال‌های اخیر، احزاب سیاسی نوپا به دلیل انعطاف‌پذیری سازمانی، استفاده گسترده از فناوری‌های ارتباطی، بهره‌گیری از ظرفیت نسل جوان و اتخاذ رویکردهای نوآورانه، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. با این حال، این احزاب با چالش‌هایی نظیر محدودیت منابع مالی، ضعف تجربه نهادی، کمبود اعتماد عمومی و محدودیت‌های قانونی مواجه هستند. مطالعات نشان می‌دهد که موفقیت احزاب نوپا بیش از هر چیز به کیفیت ارتباط با شهروندان، توانایی شبکه‌سازی، شفافیت عملکرد و ظرفیت مشارکت‌سازی آنها وابسته است (Chávez Becker, 2024; Ramis-Moyano, 2025). احزاب نوپا، حکمرانی مشارکتی بر مبنای دموکراسی مشارکتی، دموکراسی مشورتی، حکمرانی شبکه‌ای و مدیریت عمومی نوین استوار است. این نظریه‌ها بر این اصل تأکید دارند که حل مسائل پیچیده اجتماعی تنها از طریق همکاری و تعامل میان دولت، احزاب سیاسی، جامعه مدنی و سایر ذی‌نفعان امکان‌پذیر است. در این چارچوب، احزاب سیاسی با ایفای نقش واسطه‌ای میان حکومت و جامعه، زمینه گفت‌وگو، اجماع‌سازی و انتقال مطالبات عمومی را فراهم کرده و به افزایش کیفیت حکمرانی کمک می‌کنند (Ansell & Torfing, 2023; Emerson & Nabatchi, 2025).

همچنین توسعه اجتماعی یکی از مهم‌ترین پیامدهای حکمرانی مشارکتی است و ابعادی همچون عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، رفاه عمومی، برابری فرصت‌ها، توانمندسازی شهروندان و بهبود و ارتقای کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که هرچه مشارکت شهروندان و نهادهای واسطه در تصمیم‌گیری‌های عمومی افزایش یابد، کیفیت حکمرانی، اعتماد عمومی و پایداری توسعه اجتماعی نیز ارتقا خواهد یافت (Moysan & Ródenas-Rigla, 2024; García-Espín, 2025).

با وجود گسترش ادبیات نظری در حوزه حکمرانی مشارکتی و احزاب سیاسی، هنوز چارچوب جامعی برای تبیین نقش‌آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، ارائه نشده است. بخش عمده مطالعات موجود بر رفتار انتخاباتی، نظام‌های حزبی یا ابعاد نظری حکمرانی تمرکز داشته‌اند و کمتر به طراحی الگوی نقش‌آفرینی احزاب نوپا در تحقق حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی پرداخته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، در صدد طراحی الگوی بومی برای تبیین ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات نقش‌آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی است.

ب-پیشینه تجربی

خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی، در خصوص موضوع پژوهش در جدول ۱ نشان داده است.

جدول (۱) پیشینه تحقیقات انجام شده

محقق سال	عنوان	نتایج
ذوالفقاری و همکاران (۱۴۰۴)	طراحی و تدوین الگوی یکپارچه موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران با رویکرد فراترکیب	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد موانع اصلی مشارکت سیاسی زنان در ایران به شش دسته موانع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، روانی و جمعیتی تقسیم می‌شوند که موانع اجتماعی شامل فضای مردانه جامعه، تبعیض اجتماعی و جنسیتی شدن مشاغل؛ موانع فرهنگی مانند سنت و هنجارهای فرهنگی، نظام آموزشی، الگوهای طایفه‌ای-مردسالاری؛ موانع سیاسی شامل انسداد سیاسی، باورهای سیاسی، سلطه سیاسی مردان، فرهنگ سیاسی پایین؛ موانع اقتصادی دربرگیرنده نابرابری اقتصادی، آنومی اقتصادی، وابستگی مالی و موانع روانی هم شامل خودباوری پایین، باورهای روانی، احساس آنومی روانی و جمعیتی شامل اقلیمی، مکانی، خانوادگی، فیزیولوژیکی است. مشارکت سیاسی زنان به‌عنوان بخش اعظمی از جمعیت کشورها موجب بهبود اوضاع تصمیم‌گیری، درک بهتر از زندگی سیاسی-اجتماعی، ایجاد ارزش‌ها و نگرش‌های جدید سیاسی، کاهش نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی و در نهایت توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه می‌شود.
رسولی و همکاران (۱۴۰۳).	توسعه مشارکت‌های سیاسی از طریق شبکه‌های اجتماعی	یافته‌ها بیان می‌کنند که شبکه‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه مشارکت سیاسی خواهند داشت و می‌توانند به‌عنوان بستر اصلی شکل‌گیری کنش سیاسی و تبادل گفتمان عمومی عمل کنند. استفاده آگاهانه و راهبردی از فضای مجازی می‌تواند موجب افزایش مشارکت، ارتقای فرهنگ سیاسی و بهبود فرآیند تصمیم‌گیری جمعی شود.
قربانزاده و همکاران (۱۴۰۲)	توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی ایران	نتایج تحقیق نشان داد که ابعاد توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی، شامل ۲۷ مضمون پایه و ۹ مضمون سازمان دهنده جهان‌بینی اصیل سیاسی-اسلامی، انسجام فرهنگ سیاسی سازمانی، عقلانیت و خردورزی، عدالت‌محوری، ابتناء بر معنویت، حکومت قانون، مشارکت مؤثر سیاسی، مردم‌سالاری دینی و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی است.
نقیب زاده، و سلیمانی. (۱۳۸۸).	نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در	شکل‌گیری احزاب را ناشی از نوسازی سیاسی صورت گرفته در جمهوری اسلامی دانسته و در ادامه شکل‌گیری احزاب در ایران را بر اساس نظریه هانتینگتون در خصوص جوامع دستخوش نوسازی که یا مراحل جناح

محقق سال	عنوان	نتایج
	جمهوری اسلامی ایران (بر اساس رویکرد هانتینگتون)	بندی شدن، ردو قطبی شدن، گسترش و نهادمندی را شامل می شود، به آزمون گذاشته است. به نظر می رسد فرآیند تحول حزبی در ایران در مرحله گسترش قرار دارد و به مرحله نهادمندی پا نگذاشته است. شاید رشد بی رویه احزاب در کشور که بسیاری از آنها از دایره تشکیل دهنده گان اولیه حزب فراتر رفته اند، شاهی بر اثبات این فرضیه باشد.
زنگ ^۱ (۲۰۲۴)	میزان اثربخشی سازوکارهای حکمرانی مشارکتی در پشتیبانی از رهبری سیاسی	در پژوهشی با عنوان خاستگاه احزاب، قدرت زیرساختی حزب و پیامدهای حکمرانی، با استفاده از داده های تطبیقی احزاب حاکم، نشان داد که قدرت سازمانی و نفوذ اجتماعی احزاب، تأثیر مستقیمی بر بهبود کیفیت حکمرانی، ارائه کالاهای عمومی و افزایش کارآمدی نهادهای حکومتی دارد. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که هرچه احزاب از انسجام سازمانی و ارتباط مؤثرتری با جامعه برخوردار باشند، ظرفیت آنها برای بهبود حکمرانی افزایش می یابد.
وینسولد و وابو ^۲ (۲۰۲۴)	اهداف متفاوت، اما نتایج مشابه؟ نقش ایدئولوژی احزاب در نهادهای مشارکتی	در پژوهشی با عنوان سازوکارهای حکمرانی مشارکتی تا چه اندازه از رهبری سیاسی حمایت می کنند؟ نشان دادند که مشارکت سازمان یافته شهروندان در فرایندهای تصمیم گیری، موجب افزایش مشروعیت سیاسی، بهبود کیفیت تصمیمات عمومی و تقویت رهبری سیاسی می شود. همچنین طراحی مناسب نهادهای مشارکتی نقش تعیین کننده ای در موفقیت حکمرانی مشارکتی دارد.
فونت، گالایس و ریکو ^۳ (۲۰۲۴)	خاستگاه احزاب، ظرفیت زیرساختی و سازمانی احزاب	در مطالعه ای با عنوان آیا ایدئولوژی احزاب بر نهادهای مشارکتی اثرگذار است؟ به بررسی نقش احزاب سیاسی در توسعه نهادهای مشارکتی پرداختند. یافته ها نشان داد که صرف نظر از تفاوت های ایدئولوژیک، احزاب سیاسی در گسترش سازوکارهای مشارکت عمومی و نهادهای مشارکتی شهروندان نقش مؤثری دارند.
وانگ و ژانگ ^۴ (۲۰۲۴)	ظرفیت حکمرانی عدالت اجتماعی، تأمین اجتماعی و مشارکت سیاسی در چین	در پژوهشی با عنوان ظرفیت حکمرانی، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و مشارکت سیاسی نهادهای شده و بررسی بر اساس الگوی میانجی گری تعدیل شده نشان دادند که ظرفیت حکمرانی دولت از طریق افزایش اعتماد عمومی، مشارکت سیاسی شهروندان را تقویت کرده و این فرایند به توسعه اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی منجر می شود.

¹ Zeng² Winsvold & Vabo³ Font, Galais, & Rico⁴ Wang & Zhang

محقق سال	عنوان	نتایج
وو و همکاران ^۱ (۲۰۲۴)	تصمیم‌گیری مشارکتی در چین	در پژوهشی میدانی با عنوان آزمایش بزرگ تصمیم‌گیری مشارکتی در چین نشان دادند که مشارکت مستقیم شهروندان در تخصیص بودجه‌های محلی، موجب افزایش پاسخگویی دولت، ارتقای اعتماد عمومی و تقویت مشارکت مدنی می‌شود. این پژوهش شواهد تجربی مهمی درباره اثربخشی حکمرانی مشارکتی ارائه می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی است. راهبرد پژوهش بر مبنای تحلیل مضمون و با هدف طراحی الگوی نقش‌آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی انجام شده است. تحلیل مضمون به‌عنوان یکی از روش‌های معتبر تحلیل داده‌های کیفی، امکان شناسایی، سازمان‌دهی، تفسیر و تبیین الگوهای معنایی موجود در داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق را فراهم می‌کند.

در این پژوهش، برای دستیابی به درک عمیق از ابعاد نقش‌آفرینی احزاب سیاسی نوپا، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان استفاده شد. جامعه مشارکت‌کنندگان شامل اعضای شورای مرکزی و مدیران جمعیت تحول و پیشرفت ایران اسلامی، استادان علوم سیاسی، مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی، مدیران اجرایی آشنا با نظام حکمرانی و صاحب‌نظران حوزه تحزب و توسعه اجتماعی بود. مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیارهایی نظیر تجربه، تخصص، سابقه فعالیت و آشنایی با موضوع پژوهش انتخاب شدند. فرایند مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت و در مجموع ۱۸ مصاحبه انجام شد.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. سؤالات مصاحبه بر مبنای مبانی نظری، مطالعات پیشین و اهداف پژوهش طراحی شد و تلاش گردید با طرح پرسش‌های باز، دیدگاه‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان به صورت عمیق استخراج شود. تمامی مصاحبه‌ها پس از کسب رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط، پیاده‌سازی و برای تحلیل آماده شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد براون و کلارک^۲ در شش مرحله انجام شد: آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی مضامین، بازنگری مضامین، نام‌گذاری و تعریف مضامین و در نهایت تدوین گزارش پژوهش. در این فرایند، ابتدا کدهای اولیه از متن مصاحبه‌ها استخراج شد؛ سپس کدهای مشابه در قالب مضامین پایه دسته‌بندی شدند. در ادامه، مضامین پایه در قالب مضامین

^۱ Wu et al.

^۲ Braun & Clarke

سازمان‌دهنده سازمان‌دهی و در نهایت مضامین فراگیر شکل گرفتند و الگوی نهایی پژوهش طراحی شد. به منظور افزایش اعتبار و اعتمادپذیری یافته‌ها، از معیارهای پیشنهادی لینکلن و گوبا شامل اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اتکا و تأییدپذیری استفاده شد. برای تحقق این معیارها، روش‌هایی نظیر بازبینی نتایج توسط برخی مشارکت‌کنندگان، مرور فرایند کدگذاری توسط استادان راهنما و مشاور، مقایسه مستمر داده‌ها، ثبت دقیق مراحل تحلیل و استفاده از مستندات پژوهش به کار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت از پژوهش، نتایج و یافته‌های حاصل از تحقیق ارائه می‌شود جدول شماره ۶. شبکه مضامین پایه، سازمان یافته و مضامین فراگیر آورده شده است.

جدول شماره ۶. شبکه مضامین پایه، سازمان یافته و مضامین فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نهادی حزب	سرمایه سازمانی و منابع حزب	تأمین منابع مالی پایدار توسعه زیرساخت‌های سازمانی مدیریت بهینه منابع
	رهبری و مدیریت راهبردی حزب	رهبری تحول‌آفرین برنامه‌ریزی راهبردی تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد
	توانمندسازی و توسعه سرمایه انسانی	آموزش و توانمندسازی اعضا شایسته‌گزینی نیروها حفظ و توسعه نخبگان حزبی
نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی حزب	نماینده‌گی و پیگیری مطالبات عمومی	شناسایی مطالبات مردم پیگیری حقوق شهروندان انتقال مطالبات به نهادهای تصمیم‌گیر
	فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری سیاسی	ارتقای آگاهی سیاسی شهروندان ترویج فرهنگ تحزب آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی
	شبکه‌سازی و تعاملات اجتماعی و سیاسی	تعامل با نهادهای مدنی تعامل با نخبگان و دانشگاهیان توسعه ارتباطات بین‌سازمانی
	تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی	افزایش اعتماد عمومی تقویت سرمایه اجتماعی ارتقای مشروعیت اجتماعی حزب

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
	توسعه مشارکت مدنی و سیاسی شهروندان	مشارکت در انتخابات مشارکت در فعالیتهای اجتماعی مشارکت در تصمیم گیری عمومی
	توانمندسازی گروه های اجتماعی و نخبگان	مشارکت جوانان مشارکت زنان بهره گیری از ظرفیت نخبگان
	شفافیت و پاسخگویی عمومی	شفافیت اطلاعاتی پاسخگویی مدیران نظارت عمومی
ارتقای حکمرانی مشارکتی	مشارکت در سیاست گذاری و تصمیم گیری عمومی	مشارکت در تدوین سیاست ها مشارکت در اجرای برنامه ها مشارکت در ارزیابی سیاست ها
	تعامل و هم افزایی میان دولت، حزب و جامعه مدنی	گفت و گوی دولت و حزب همکاری با سازمان های مردم نهاد ایجاد اجماع اجتماعی
	ارتقای انسجام و همبستگی اجتماعی	افزایش همبستگی اجتماعی تقویت همدلی ملی کاهش شکاف های اجتماعی
پیامدهای توسعه اجتماعی	توسعه عدالت و رفاه اجتماعی	تحقق عدالت اجتماعی گسترش فرصت های برابر ارتقای رفاه عمومی
	ارتقای کیفیت حکمرانی و توسعه پایدار اجتماعی	افزایش کارآمدی حکمرانی توسعه پایدار اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی شهروندان
	الزامات قانونی و نهادی فعالیت احزاب	اصلاح قوانین احزاب تضمین استقلال احزاب حمایت نهادی از فعالیت حزبی
الزامات، راهبردها و بسترهای نقش آفرینی احزاب نوپا	زیرساخت های فرهنگی، رسانه ای و فناوری	فرهنگ سازی عمومی درباره حزب بهره گیری از رسانه های نوین توسعه زیرساخت های دیجیتال

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
	راهبردهای توسعه و پایداری احزاب نوپا	جذب اعضای جدید تقویت پایداری سازمانی حزب ارزیابی و بهبود مستمر عملکرد



شکل شماره ۱. الگوی نقش آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی: مطالعه موردی جمعیت تحول و پیشرفت ایران اسلامی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی نقش‌آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی (مطالعه موردی: جمعیت تحول و پیشرفت ایران اسلامی) و با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که نقش‌آفرینی مؤثر احزاب سیاسی نوپا در تحقق حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی، پدیده‌ای چندبعدی است که از تعامل ظرفیت‌های درونی حزب، کارکردهای سیاسی و اجتماعی، مشارکت فعال شهروندان، سازوکارهای حکمرانی، پیامدهای اجتماعی و همچنین بسترهای قانونی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد.

در بعد ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نهادی حزب، نتایج نشان داد که برخورداری از ساختار سازمانی منسجم، رهبری راهبردی، مدیریت کارآمد منابع و توسعه سرمایه انسانی، زیربنای ایفای نقش اثربخش احزاب نوپا محسوب می‌شود. بدون وجود این ظرفیت‌ها، احزاب توان لازم برای ایفای نقش در عرصه سیاست‌گذاری و توسعه اجتماعی را نخواهند داشت.

در بعد نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی حزب، یافته‌ها بیانگر آن است که احزاب نوپا از طریق نمایندگی مطالبات عمومی، ارتقای فرهنگ سیاسی، آموزش شهروندی و ایجاد شبکه‌های تعامل میان مردم و نهادهای مختلف، می‌توانند سرمایه اجتماعی را تقویت کرده و زمینه مشارکت گسترده‌تر شهروندان را فراهم آورند. نتایج همچنین نشان داد توسعه مشارکت شهروندی حلقه واسط میان فعالیت‌های حزب و تحقق حکمرانی مشارکتی است. افزایش اعتماد عمومی، گسترش مشارکت مدنی و سیاسی، و توانمندسازی اقشار مختلف جامعه، موجب افزایش اثربخشی تصمیمات عمومی و تقویت مشروعیت نظام حکمرانی می‌شود.

در بعد ارتقای حکمرانی مشارکتی، یافته‌ها حاکی از آن است که شفافیت، پاسخگویی، مشارکت در سیاست‌گذاری و تعامل سازنده میان دولت، احزاب و جامعه مدنی، مهم‌ترین مؤلفه‌های تحقق حکمرانی مشارکتی هستند. احزاب نوپا می‌توانند با ایفای نقش واسطه میان مردم و حاکمیت، زمینه تصمیم‌گیری‌های مشارکتی و افزایش اعتماد عمومی را فراهم کنند.

در زمینه پیامدهای توسعه اجتماعی، نتایج نشان داد که نقش‌آفرینی مؤثر احزاب نوپا می‌تواند به ارتقای انسجام اجتماعی، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش رفاه عمومی، بهبود کیفیت حکمرانی و حرکت جامعه به سوی توسعه پایدار منجر شود. بنابراین، کارکرد احزاب صرفاً به رقابت‌های انتخاباتی محدود نبوده و می‌تواند آثار گسترده‌ای بر توسعه اجتماعی کشور داشته باشد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که تحقق این الگو مستلزم فراهم بودن الزامات و بسترهای نقش‌آفرینی احزاب نوپا است. اصلاح قوانین و مقررات مرتبط با فعالیت احزاب، تقویت فرهنگ

حزب، توسعه زیرساخت‌های رسانه‌ای و فناوری، حمایت نهادی از فعالیت‌های حزبی و تدوین راهبردهای توسعه و پایداری احزاب، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای افزایش اثربخشی احزاب سیاسی نوپا محسوب می‌شوند.

در مجموع، الگوی طراحی شده در این پژوهش نشان می‌دهد که نقش‌آفرینی احزاب سیاسی نوپا یک فرایند نظام‌مند و پویاست که از ظرفیت‌های نهادی آغاز شده، از طریق کارکردهای سیاسی و اجتماعی و توسعه مشارکت شهروندان به ارتقای حکمرانی مشارکتی منجر می‌شود و در نهایت پیامدهایی نظیر توسعه اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی، بهبود کیفیت حکمرانی و ارتقای رفاه عمومی را به همراه دارد. این الگو می‌تواند به عنوان چارچوبی بومی برای تقویت نقش احزاب سیاسی در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران و مبنایی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اصلاح ساختارهای مرتبط با فعالیت احزاب مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهادهای کاربردی در راستای یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون و الگوی نهایی پژوهش، پیشنهادهای اجرایی زیر به منظور تقویت نقش‌آفرینی احزاب سیاسی نوپا در ارتقای حکمرانی مشارکتی و توسعه اجتماعی ارائه می‌شود:

۱- در حوزه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نهادی حزب

- نظام شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران و مسئولان حزبی تقویت شود.
- برنامه‌های آموزشی مستمر برای ارتقای مهارت‌های مدیریتی، سیاسی و حکمرانی اعضای حزب طراحی و اجرا گردد.
- سازوکارهای تأمین مالی شفاف، قانونی و پایدار برای فعالیت احزاب ایجاد شود.
- ساختارهای سازمانی احزاب با رویکرد چابکی، نوآوری و استفاده از فناوری‌های نوین بازطراحی شوند.

۲- در حوزه نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی حزب

- احزاب سازوکارهای منظم برای شناسایی، جمع‌آوری و پیگیری مطالبات شهروندان ایجاد کنند.
- برنامه‌های آموزشی برای ارتقای فرهنگ مشارکت سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و آگاهی عمومی توسعه یابد.
- تعامل نظام‌مند با دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و نخبگان در دستور کار احزاب قرار گیرد.
- احزاب از ظرفیت رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی برای گسترش ارتباط دوسویه

با جامعه بهره‌گیری کنند.

۳- در حوزه توسعه مشارکت شهروندی

- زمینه حضور مؤثر جوانان، زنان و نخبگان در ارکان تصمیم‌گیری احزاب فراهم شود.
- سازوکارهای مشارکت شهروندان در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های حزبی طراحی و اجرا گردد.
- برنامه‌های اعتمادسازی و افزایش سرمایه اجتماعی از طریق شفافیت و ارتباط مستمر با مردم دنبال شود.
- دفاتر محلی و شبکه‌های مردمی احزاب برای افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی گسترش یابد.

۴- در حوزه ارتقای حکمرانی مشارکتی

- زمینه حضور نمایندگان احزاب در فرایندهای مشورتی سیاست‌گذاری عمومی تقویت شود.
- سازوکارهای گفت‌وگوی مستمر میان دولت، احزاب و نهادهای مدنی ایجاد و نهادینه گردد.
- اصول شفافیت، پاسخگویی و گزارش‌دهی منظم در فعالیتهای حزبی و تعامل با نهادهای عمومی رعایت شود.
- ظرفیت احزاب در ارزیابی و پایش سیاست‌های عمومی و ارائه پیشنهادهاى اصلاحی تقویت گردد.

۵- در حوزه توسعه اجتماعی

- احزاب برنامه‌های خود را بر کاهش نابرابری‌های اجتماعی، افزایش عدالت اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی متمرکز کنند.
- اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی برای تقویت همبستگی ملی و انسجام اجتماعی در اولویت قرار گیرد.
- احزاب از ظرفیت مشارکت مردمی در حل مسائل اجتماعی، محیط‌زیستی و توسعه محلی بهره‌برداری کنند.
- شاخص‌های توسعه اجتماعی به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد احزاب مورد توجه قرار گیرد.

۶-در حوزه الزامات و بسترهای نقش آفرینی احزاب نوپا

- قوانین مرتبط با فعالیت احزاب با هدف افزایش استقلال، شفافیت و کارآمدی مورد بازنگری قرار گیرد.
 - حمایت‌های حقوقی و نهادی از احزاب قانون‌مند و پاسخگو تقویت شود.
 - فرهنگ حزب، مشارکت سیاسی و فعالیت‌های مدنی از طریق نظام آموزشی، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی ترویج گردد.
 - زیرساخت‌های فناوری اطلاعات برای توسعه فعالیت‌های الکترونیکی، ارتباطات هوشمند و حکمرانی دیجیتال در احزاب فراهم شود.
 - نظام ارزیابی عملکرد احزاب بر اساس شاخص‌های مشارکت محوری، پاسخگویی، شفافیت و اثرگذاری اجتماعی طراحی و اجرا گردد.
- در مجموع، اجرای این پیشنهادها می‌تواند زمینه ارتقای ظرفیت نهادی احزاب سیاسی نوپا، افزایش مشارکت شهروندان، بهبود تعامل میان دولت و جامعه، تقویت حکمرانی مشارکتی و در نهایت تحقق توسعه اجتماعی پایدار را فراهم سازد.

قدردانی

از کلیه اساتید، جامعه دانشگاهی و مسئولین جمعیت تحول و پیشرفت ایران اسلامی، که تیم تحقیق را در این پژوهش یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

Acknowledgments

This section includes acknowledgments for individuals and institutions that have assisted the researcher in writing the article.

تعارض منافع

نویسنده(گان) اظهار می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافع بالقوه‌ای در رابطه با انتشار این اثر وجود ندارد. علاوه بر این، مسائل اخلاقی از جمله سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار علمی، جعل و یا تحریف داده‌ها، انتشار و یا ارسال تکراری و افزونگی، به طور کامل توسط نویسندگان مورد نظارت قرار گرفته است.

Conflict of interest

The author(s) declare no potential conflict of interest regarding the publication of this work. In addition, the ethical issues including plagiarism, informed consent, misconduct, data fabrication and, or falsification, double publication and, or submission, and redundancy have been completely witnessed by the authors.

حمایت مالی

نویسنده(گان) هیچ‌گونه حمایت مالی برای انجام این پژوهش، نگارش و یا انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

منابع

- رسولی فریمانی محمد، گرانمایه پور علی، و نصرالهی ا. (۱۴۰۳). آینده پژوهی توسعه مشارکت‌های سیاسی از طریق شبکه‌های اجتماعی. توسعه فردی و تحول سازمانی، ۲(۱)، ۲۲۲-۲۳۹.
<https://doi.org/10.61838/kman.jpdot.2.1.14>
- ذوالفقاری، اکبر، عشایری، طاها و جهان پرور، طاهره. (۱۴۰۴). طراحی و تدوین الگوی یکپارچه موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران با رویکرد فراترکیب. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۴(۵۲)، ۴۴-۱
[doi: 10.22054/qpps.2024.76553.3331](https://doi.org/10.22054/qpps.2024.76553.3331)
- قربانزاده، زهرا، نیک پور، امین، شکوه، زهرا و شرفی، شهین. (۱۴۰۲). طراحی الگوی توسعه سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی برای نظام جمهوری اسلامی ایران. جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، ۱۳(ویژه نامه)، ۳۹۵-۴۰۸.
[doi: 10.22034/jgeoq.2024.289259.3122](https://doi.org/10.22034/jgeoq.2024.289259.3122)
- نقیب زاده، احمد، و سلیمانی، غلامعلی. (۱۳۸۸). نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران (بر اساس رویکرد هانتینگتون). سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹(۴)، ۳۴۷-۳۶۷.
[SID. https://sid.ir/paper/110560/fa](https://sid.ir/paper/110560/fa)
- Ansell, C., & Torfing, J. (2023). *Public governance as co-creation: A strategy for revitalizing the public sector and rejuvenating democracy*. Cambridge University Press.
- Dalton, R. J. (2023). *Political parties and democratic linkage: How parties organize democracy* (2nd ed.). Oxford University Press.
- Emerson, K., & Nabatchi, T. (2025). Collaborative governance regimes: The state of the field and future directions. *Annual Review of Political Science*, 28, 245–266.
- García-Espín, P. (2025). Can participatory democracy become inclusive? Class, mobilization and voice in participatory institutions. *European Political Science Review*, 17(2), 169–184. <https://doi.org/10.1017/S1755773924000262>
- Gherghina, S. (2025). Political parties and forms of citizens' involvement in decision-making: A special section. *Political Studies Review*, 23(3), 694–699. <https://doi.org/10.1177/14789299241307218>
- Moysan, T., & Ródenas-Rigla, F. (2024). The participatory processes in public policy-making: A scoping review. *Societies*, 14(12), 244. <https://doi.org/10.3390/soc14120244>
- Ramis-Moyano, R. (2025). Political parties and democratic innovation: The role of parties in participatory governance. *Journal of Deliberative Democracy*. <https://doi.org/10.16997/jdd.1450>

- Winsvold, M., & Vabo, S. I. (2024). Collaborative governance and democratic legitimacy: New perspectives on citizen participation. *Governance*. <https://doi.org/10.1111/gove.12825>
- García-Espín, P. (2025). *Can participatory democracy become “inclusive”?* Class, mobilization and voice in participatory institutions. *European Political Science Review*, 17(2), 169–184. <https://doi.org/10.1017/S1755773924000262>
- Gherghina, S. (2025). Political parties and forms of citizens' involvement in decision-making: A special section. *Political Studies Review*, 23(3), 694–699. <https://doi.org/10.1177/14789299241307218>
- Moysan, T., & Ródenas-Rigla, F. (2024). The participatory processes in public policy-making: A scoping review. *Societies*, 14(12), 244. <https://doi.org/10.3390/soc14120244>
- Sánchez-Hernández, M. I. (2024). Strengthening resilience: Social responsibility and citizen participation in local governance. *Administrative Sciences*, 14(10), 260. <https://doi.org/10.3390/admsci14100260>
- Zeng, Q. (2024). *Party origins, party infrastructural strength, and governance outcomes*. *British Journal of Political Science*, 54(3), 667–692. <https://doi.org/10.1017/S0007123423000455>
- Winsvold, M., & Vabo, S. I. (2024). *How well do participatory governance arrangements serve political leadership?* *Governance*, 37(4), 1061–1079. <https://doi.org/10.1111/gove.12825>
- Font, J., Galais, C., & Rico, C. (2024). *(Slightly) different objectives, but similar results? Party ideology and participatory institutions*. *Acta Politica*. <https://doi.org/10.1057/s41269-024-00373-3>
- Wang, C., & Zhang, X. (2024). *Governance capacity, social justice, social security, and institutionalized political participation in China: A moderated mediation model*. *Journal of Chinese Political Science*. <https://doi.org/10.1177/15396754241252978>
- Wu, S. J., Mai, K. M., Zhuang, M., et al. (2024). *A large-scale field experiment on participatory decision-making in China*. *Nature Human Behaviour*, 8, 2119–2126. <https://doi.org/10.1038/s41562-024-01964-y>